



فرصت‌ها را مغتنم شماریم

طاہر احمدزادہ

به نام خداوند بخشنده مهربان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

احمدزاده، طاهر، ۱۳۰۰-۱۳۹۶.

عنوان و نام پدیدآور

Ahmadzadeh Heravi, Taher

فرصت‌ها را مغتنم شماریم/ طاهر احمدزاده: تدوین و ویرایش مزگان احمدزاده، سیدخلیل حسینی عطار.

مشخصات نشر

مشهد: محقق، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری

ص: ۱۱ × ۱۷ س.م.

شابک

۸-۴۱-۸۳۷۵-۶۰۰-۹۷۸-۱۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی

موضوع

علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- سیاست و حکومت

موضوع

Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Politics and government

موضوع

اسلام -- تجدید حیات فکری

موضوع

Islamic renewal

شناسه افزوده

احمدزاده، مزگان، ۱۳۴۸-، ویراستار

شناسه افزوده

حسینی، سیدخلیل، ۱۳۴۱-، ویراستار

رده‌بندی کنگره

۴۱۳ الف/ BP۲۲۹

رده‌بندی دیویی

۲۹۷/۴۸

شماره کتابشناسی ملی

۵۶۲۲۸۵

فرصت‌ها را مغتنم شماریم

طاهر احمدزاده

فرصت‌ها را مغتنم شماریم

طاهر احمدزاده

تدوین و ویرایش: مژگان احمدزاده • سید خلیل حسینی عطار

سر ویراستار و مدیر داخلی: سید خلیل حسینی

چاپ اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۵-۴۱-۸

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.

۲۵۰۰۰ تومان

درآمد این کتاب صرف تجهیز کتابخانه‌های مناطق

محروم و ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی خواهد شد.

نشر محقق

مشهد، گلپهار، بلوار عدالت، عدالت ۳۸

سرو ۷، پلاک ۲، تلفن: ۰۹۱۵۱۱۶۳۱۰۰

hoseini.seyedkhalil@gmail.com

انتشارات



| مقدمه |

«فرصت ها را مغتنم شماریم» متن سخنرانی نویسنده در کانون نشر حقایق اسلامی است که در سال ۱۳۴۰ به مناسبت ولادت امام علی (ع) ایراد شده است.

در کنگره انجمن های دینی که در شهریور سال ۱۳۴۰ برای اولین بار در تهران تشکیل شد، به انجمن ها توصیه شده بود تا از مناسبت های دینی به بهترین وجهی که موجب بیداری و آگاهی مسلمانان باشد، استفاده کنند.

این سخنرانی با الهام از همین توصیه و قطعنامه ی آن کنگره شکل می گیرد و پس از آن از سوی شرکت سهامی انتشار به چاپ می رسد. نویسنده در این اثر کوشیده است، به سهم خود، مسئولیت مسلمانان را به آنان گوشزد کند تا در هر مناسبتی به راه و روش، هدف و تفکر امام علی (ع) و اسلام راستین بیندیشند.

و پیش از آنکه همه چیز از دست رود، کاری بکنند؛ فرصت‌ها را دریابند و وقت را مغتنم شمارند.

گفتنی است انتشار این جزوه در آن زمان، رژیم و سازمان امنیت او را حساس کرد. به نحوی که در سال‌های ۴۱ تا ۴۳ و حتی در سال ۵۰، یکی از موارد اتهامی نویسنده و حتی گاهی اتهام اصلی او، انتشار همین کتاب و مفاد آن بوده است.

نویسنده بارها و بارها برای انتشار این کتاب مورد بازجویی قرار می‌گیرد و بازخواست می‌شود.

سخن آخر این که همهٔ پاورقی‌ها از ویراستاران است.

مرگان احمدزاده

سید خلیل حسینی

۱۳۹۷/۱۲/۲۹

در اسلام و بالاخص در مذهب شیعه برای مردم مسلمان فرصت‌هایی منظور شده و یا پیش آمده که اگر از آن فرصت‌ها به نحو شایسته و صحیحی استفاده و بهره‌برداری شود می‌توان یک محیط فاسد و غیر سالم و فقط به ظاهر اسلامی را، که در آن اقلیت معدودی ممتع و اکثریت عظیمی محرومند، دگرگون ساخت و یک جریان اصیل اسلامی ایجاد و از آن مراقبت کرد تا از دستبرد دشمنان داخلی و خارجی مصون و محفوظ بماند. تشریح نماز جماعت، نماز جمعه و عیدین و اجتماع در مساجد و ایراد خطبه‌های اجتماعی، تشریح حج و انعقاد کنفرانس بین‌المللی اسلامی و اعیاد و وفیات و اوقات سوره و سوگی که شیعه به آن اهمیت داده است همه فرصت‌های گرانبهایی را به وجود می‌آورند تا در پیشرفت و تکامل مادی و معنوی ملت مسلمان مورد استفاده قرار گیرند.

پاره‌ای از این فرصت‌ها مثل نماز جماعت و جمعه و عیدین و فریضه حج بیشتر برای آگاهی مسلمان‌ها از مسائل روز و همبستگی و تمرکز قوا و اتخاذ تصمیم در برابر حوادث جاری است و برخی دیگر از جمله مبعث و غدیر و عاشورا و روزهای تولد و وفات پیشوایان به منظور بررسی تاریخ گذشته و تجزیه و تحلیل وقایع و الهام از شخصیت رهبران است تا انتباه و استنتاج حاصل شود و راه آینده مشخص گردد و بدون انحراف طی شود از جمله این فرصت‌ها و در ردیف مهم‌ترین آنها روز سیزدهم رجب میلاد علی علیه السلام است: حال باید بینیم که از این فرصت تاکنون چه استفاده کرده و می‌کنیم و اصولاً چگونه باید استفاده کنیم.

اگر چه از آنچه که امروز در مراسم این سرور مذهبی می بینیم می توانیم نمونه ای از گذشته به دست آوریم لکن برای آنکه بهتر به نحوه تفکر و عمل گذشتگان و کیفیت استفاده آنان از این قبیل فرصت ها پی ببریم خوب است به آثار شعرا که از جمله متفکرترین مردم و مترقی ترین قشر اجتماع محسوب می شوند، مراجعه کنیم. متأسفانه در اکثر مدایح و قصائدی که به این مناسبت سروده اند جز تشبیهات و استعارات و صناعات لفظی و مبالغه ها و غلوهایی که روح علی از آن بیزار است و با سبک قرآن ابداً سازگار نیست، چیز دیگری نمی بینیم. چند شب قبل برای انتخاب شعری به مناسبت میلاد علی که ضمناً مبین جهان بینی و طرز تفکر علی و الهام بخش برای آینده باشد از دوستان شعرشناس استمداد کردم، فرمودند: چنین شعری سراغ نداریم. با خود فکر کردم که ممکن است شعر مطلوب در دیوان بهار باشد زیرا مرحوم بهار از

شعرای معاصر و از رهبران جنبش مشروطیت است با این امید به دیوان آن مرحوم مراجعه کردم و اکنون شعری از قصائد مدحیه بهار در میلاد علی از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد تا مقیاسی از تفکر عمومی برای زمان‌های قبل از بهار به دست آید.

از قصیده مدحیه

آهوی چشمت ای شوخ، دل من بفریفت
مگر این دل، نه دل مدح‌گر شیر خداست
بوالحسن آنکه بدو فضل به انجام رسید
وانکه بنهفت توان فضل وی امروز کجاست
ولی ایزد یکتا که پیش در او
آسمان همچو غلامان رهی، پشت دوتاست
آسمان است و زمین، هر دو بزرگ آیت حق
آسمان از او بر پا و زمین زو برجاست
بسته و بنده فرمانش قضا و قدر است
گر همه چیز به حکم قدر و بند قضاست

از مسمط

حیدر احد منظر احمد علی سیما
آن حبیب و صد معراج آن کلیم و صد سینا
در جمال او ظاهر، سر علم الاسماء
بزم قرب را محرم، راز غیب را دانا
ملک قدس را سلطان، قصر صدق را بانی
خاتم و فارالعل، لعل راستی را کان
قلزم صفا را فلک، فلک صدق را سکان
اوست قطبی از اقطاب، اوست رکنی از ارکان
ممکنی است بی ایجاب، واجبی است بی امکان
ثانی است بی اول، اولی است بی ثانی

از قصیده دیگر

چون طبع من که شعر طرازد
در حمد خلیفه احمد

شیر خدا که هست جبینش
تابشگه ستارهٔ سودد
یزدان نهاد از بر فرقتش
دیهیم پادشاهی سرمد
دعوی نداشت ورنه ورا بود
همچون قرآن هزار مجلد

ملاحظه می‌فرمایید صحبت از آهوی چشم - غلامی آسمان - بندگی
قضا و قدر - سلطان ملک قدس - قطب اقطاب فلک قلم - ممکن
بی ایجاب و واجب بی امکان - ثانی بی اول و اول بی ثانی دیهیم
پادشاهی هست ولی به جهان بینی - راه و روش - نحوهٔ تفکر علی
و تجزیه و تحلیل وقایع زمان او حتی اشاره‌ای هم نیست. تکلیف
ما چیست؟ در چه وضعی هستیم؟ چه باید بکنیم؟ چگونه از
علی الهام بگیریم؟ ابداً معلوم نیست. آری مجالسی به نام علی
برپا شده، شعرا از این قبیل اشعار خوانده‌اند، صدای احسنت و
آفرین بلند شده و چای و شیرینی هم خورده‌اند و بهشت نیز به ولاء
و محبت علی تضمین شده است!

در حال حاضر هم که به محافل سرور مذهبی برویم باز اشعاری از این دست می‌شنویم و سخنانی در همین حدود استماع می‌کنیم لکن از آنچه خبری نیست آشنایی به راه و روش و تفکر و زندگی علی و استنتاج و بهره‌گیری برای آینده است. اصولاً هر نهضتی به همراه خود یک انقلاب ادبی دارد. سبک و وزن و روش و مضمون و اصطلاحات به کلی فرق می‌کند و واژه‌های نو و ایده‌های تازه به کار می‌رود. در نهضت اسلام دوران تخیلات شاعرانه پایان یافت و واژه‌های سلطان ملک دیهیم پادشاهی - غلامی آسمان - کهنه و مطرود شد و منطق وحی و سبک قرآن با اصطلاحات خاص نهضت اسلامی جانشین همه این ترهات^۱ گردید و عجیب است که بعد از ۱۴ قرن باز ما گرفتار همان اوهام و خرافات و تخیلات هستیم. اکنون توجه فرمایید که زبان وحی

و منطق قرآن چگونه از بزرگترین شخصیت بشری سخن می‌گوید: و ما محمدالارسل قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم^۱. محمد نیست مگر پیامبری که قبل از او پیامبران دیگر آمدند و گذشتند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود شما سیر قهقرائی و ارتجاعی خواهید داشت؟ ابداً سخن از قد و بالا و چشم و ابروی پیامبر نیست و از تخیلات شاعرانه و اصطلاحات عرفانی برکنار است. ناظر به مسلک و مرام و هدف است و توجه به آینده دارد. این کجا و خیال‌بافی‌های ما کجا! و این است مصداق و معنی جدایی مسلمان‌ها از قرآن، جدایی غیرعلنی و نامحسوس مورد نظر استعمار که تا مرحله چاپ و انتشار و قرائت قرآن و درس تجوید و توسل و تیمن و تبرک به قرآن برای نقل مکان و بازوی پهلوان و سفره عقد عروس ممانعتی نیست و از آن پس که نوبت درک مفاهیم و اصول و اهداف قرآن می‌رسد و پای رشد و آگاهی و بیداری و حرکت و جنبش مسلمان‌ها به میان می‌آید زنگ‌های خطر در محافل ذینفع از وضع موجود به صدا در می‌آید و دست‌های ناپاک مرئی و غیرمرئی به کار می‌افتد و از طرق مختلف به صورت دلسوزی برای

اسلام کارشکنی و ممانعت به عمل می‌آید.
باید صریحاً اعتراف کنیم که هم در گذشته و هم در حال از فرصت‌ها
استفاده نکرده و نمی‌کنیم و نتیجه آن همین رکود و عقب‌افتادگی و
انحطاطی است که دامنگیر ما است.

در کنگره انجمن های دینی کشور که در شهریور ماه سال جاری^۱ برای اولین بار در تهران تشکیل گردید این موضوع مورد توجه کامل قرار گرفت و یکی از مواد قطعنامه ناظر به همین معنی است و به انجمن ها توصیه می نماید که از اینگونه فرصت ها به بهترین وجهی که موجب بیداری و آگاهی مسلمان ها باشد استفاده نمایند و اینک به پیروی از قطعنامه کنگره و برای این که به سهم خود از فرصت گرانبهای امروز نتیجه ای گرفته باشیم تحلیل مختصری از زندگی علی می نمایم.

علی (ع) دوران کودکی را تقریباً زیر نظر محمد (ص) گذراند و تصدی تربیتش با او بود. در سیزده سالگی و به مجرد آغاز بعثت به اسلام ایمان آورد و از آن پس در تمام مصائب و مشکلات شریک پیغمبر گردید. تقریباً در همه غزوات شرکت کرد و بی نظیرترین فداکاری ها را نمود. واجد و

جامع همه فضایل و مکارم اخلاقی بود، بعد از رسول خدا عادل تر، با تقوی تر، دانشمندتر، سخنورتر، بلیغ تر و بخشنده تر از همه مردم بود. به مقام زمامداری جامعه اسلامی، نه به زور، بلکه با خواست و نظر مردم رسید. این خطبه‌های نهج البلاغه همه سخنرانی‌های آتشین علی است که در دوره زمامداری خود ایراد فرموده و تأثیر سخنش در مستمع تا آنجا بود که هم‌امام پس از استماع سخنانش فریادی زد و افتاد و مرد. معاویه استاندار شام بود پرچم مخالفت با علی برافراشت و تحریک‌ها علیه او کرد تا آتش جنگ برافراخت و سرانجام به ظاهر پیروزی نصیب معاویه گردید.

آیا هیچ فکر کرده‌ایم که چرا علی با آن همه سوابق مشعشع و افتخارات عظیمی که در نهضت اسلامی داشت و سرچشمه همه فضایل بود در برابر معاویه قرار گرفت و در ظاهر^۲ از او شکست خورد.

بعضی مردم را سرزنش می‌کنند که پیرو هوی و هوس خود بودند و تحمل عدل علی و در نتیجه لیاقت حکومتش را نداشتند و شخصی

۱ خطبه متقین، اوصاف پارسایان، که بنا به درخواست هم‌امام ایراد شده است. امام علی (ع) در این خطبه اوصاف پرهیزگاران را بیان می‌کنند.

۲ آری به ظاهر شکست خورد. اما پیروز تاریخ است. همچنان که در عاشورا شکست، پیروز است. نگاه کنید به کتاب «آنجا که حق پیروز است» اثر استاد پرویز خرسند.

مانند معاویه متناسب حال آنها بود (همین کاری که امروز هیئت‌های حاکمه فاسد و نالایق در توجیه فساد و عدم لیاقت خود می‌کنند و یا مصلحین و رهبران ضعیف در کتمان ضعف و تعلیل عدم موفقیت خود می‌نمایند.) و برخی پا را فراتر گذاشته و فطرت جوئی و فضیلت خواهی بشر را انکار می‌کنند و می‌گویند مردم طرفدار حق و خواهان فضیلت نیستند و لذا علی شکست خورد^۱. در صورتی که عدل علی از حدود موازین قرآن خارج نبوده و این قرآن است که می‌فرماید لایکلف الله نفساً الا وسعها^۲ (خداوند هیچکس را مکلف نساخت مگر در حدود توانایی اش) و چنانچه فطرت حق طلبی و فضیلت خواهی بشر مورد انکار قرار گیرد بعثت و دعوت انبیاء معنی نخواهد داشت و باز این قرآن است که می‌فرماید فاقم وجهک للذین حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها^۳ پس روی آر به طرف دینی که منطبق با سرشت بشر است به هنگام آغاز نهضت اسلامی و در زمان فشار و مضیقه بر مردم و حبس و تبعید و شکنجه آنان از ناحیه هیئت حاکمه اشرافی مکه نه تنها دیده

۱ نگاه کنید به پاورقی صفحه قبل و همچنین به کتاب «علی (ع) از زبان علی (ع)» اثر دکتر سید جعفر شهیدی.

۲ سوره بقره، آیه ۲۸۶

۳ سوره روم، آیه ۳۰

نشد که ثروت و نعمت اشراف مسلمانی را بفریبید تا اسلام را رها کند بلکه هر چه فشار از ناحیه اشراف بر مردم محروم برای جلوگیری از گرویدن آنان به نهضت آزادی بخش اسلامی فزونی می‌گرفت بر تعداد مسلمان‌ها اضافه می‌شد. چرا؟ برای این که دوست و دشمن، مخالف و موافق بر مبنای اسلام و کفر مشخص بود و جای هیچ‌گونه تأویل و توجیهی برای اغفال مسلمان‌ها باقی نمی‌ماند. مسلمین بدون ذره‌ای تردید و با عزم راسخ حتی در سنین آخر عمر، که سن بازنشستگی است، با هزینه خود ساز و برگ جهاد فراهم می‌ساختند و به صف مجاهدین در اقصی نقاط مرزکشور اسلامی می‌پیوستند. اما وقتی که ابوسفیان‌ها و معاویه‌ها نفوذ و پیشرفت اسلام را غیر قابل مقاومت دیدند به ناچار به اسلام گرویدند لکن همواره پی فرصت می‌گشتند تا بار دیگر و به صورت تازه‌ای برگردن خلق خدا سوار شوند و این شیوه همیشگی اشراف و مرتجعین و طبقات حاکمه است که اول سعی می‌کنند نطفه نهضت‌ها را در جنین نابود کنند و آنگاه که موفق نشدند خود را در صف آن نهضت‌ها وارد می‌کنند و ایجاد نفاق و اختلاف می‌نمایند تا آثار نهضت لوٹ شود یا از مسیرش منحرف گردد.

قبل از نهضت اسلام آئین بت پرستی سنگر حفظ منافع اشراف قریش و وسیله حکومت آنان بر مردم بود برای ابوسفیان‌ها و معاویه‌ها مسئله بت و بت پرستی مفهوم اعتقادی و مرامی نداشت بلکه سنتی قدیمی و عاداتی باستانی در محیط بود که توانسته بودند به نام آن عادت و به بهانه حفظ آن یوغ بردگی برگردن مردم گذارند و آنان را استثمار نمایند در حالی که مردم باید به این رسم باستانی معتقد می‌بودند و از آن منحرف نمی‌شدند و چون انحراف مردم از این عادت در واقع عدول از اطاعت طبقه حاکمه بود لذا اگروندگان نهضت رهائی بخش اسلام را به شدت سرکوب می‌کردند.

ابوسفیان‌ها و معاویه‌ها احساس کردند که دیگر سنگر بت پرستی بی‌ارزش و غیر قابل دفاع شده و قدرت مقاومت در برابر ضربات کوبنده نهضت اسلامی را ندارد. به فکر افتادند که از اسلام سنگری نو، پناهگاه

تازه‌ای ایجاد نمایند. این بود که به اسلام گرویدند و در صدد اشغال مناسب و مقامات حساس برآمدند. معاویه به استناداری شام رسید و مانند سرطانی به اطراف ریشه دواند تا آنگاه که مردم بر عثمان، زمامدار طماع و خوش‌گذران و قوم و خویش پرست شوریدند و او را کشتند. معاویه علی را به قتل عثمان متهم کرد و به نام خونخواهی او پرچم زمامداری جامعه اسلامی در دست گرفت.

اگر فرضاً ابوجهل شناخته شده به مخالفت با نهضت اسلامی با همان قیافه بدون نقاب زنده می‌شد و در برابر علی قرار می‌گرفت تمام مردم با یک فرمان علی بسیج می‌شدند و او را نابود می‌ساختند.

لکن آنچه سوابق درخشان و فضایل علی را تحت الشعاع قرار داد، آنچه داستان غدیر را به فراموشی سپرد این بود که معاویه ابوجهل صفت با نقاب اسلام و به نام اسلام و به منظور حفظ مصالح عالی‌ه اسلام! زمام حکومت در دست گرفت و مشکل بزرگی برای علی شد.

مردم ذاتاً فضیلت خواهند، مردم از تقوی و عدالت خوش‌شان می‌آید، مردم بر فطرت حق جوئی و حق‌طلبی مفلورند! اما مگر معاویه علناً مردم

را به فضیلت‌کشی و بی‌عدالتی و ناپاکی دعوت می‌کرد؟ مسلماً نه، او خود را زمامدار کشور اسلامی و حافظ و ناشر تعالیم قرآن جا زده بود و ظاهراً و در برابر مردم از مزایای دین اسلام سخن می‌گفت و به رسوم و آداب اسلامی احترام می‌گذاشت ولی در باطن ریشه‌ی اصول اسلامی را می‌زد و رجال آشنا به آن اصول و با شرافت و تقوی و آزاده را از صحنه‌ی اجتماع مسلمین طرد می‌کرد.

امروز تاریخ نقاب را از چهرهٔ معاویه برداشته و او را آن طور که بوده معرفی می‌کند و سیمای درخشان علی را هم نمایان تر ساخته است. برگردیم به هزار و سیصد سال قبل که معاویه زمامدار جامعه اسلامی است و علماء و قضات و وعاظ مزدور از او پول می‌گرفتند و او را رهبری مبری از همهٔ معایب و واجد همهٔ محاسن معرفی می‌کردند و این تبلیغات معاویه آنچنان در اذهان مردم ساده دل موثر واقع می‌شد که مردان با تقوی و مجاهدی که در جنگ صفین در صف علی قرار داشتند، دچار تردید بودند تا این که عمار به دست قشون معاویه کشته شد آنگاه حدیث پیغمبر به عمار (تقتلک الفئته الباغیه: تو را گروه ستمگر می‌کشند) به یادشان آمد و گروه معاویه را ستمگر تشخیص دادند و تردیدشان زائل گشت و بر صف معاویه تاختند. اکنون اگر معاویه، این معاویه که تاریخ ماسک تزویرش را پاره کرده، زنده شود و اعلان کند که من همان معاویه

۱۳۰۰ سال قبل هستیم و آمده‌ام تا در کشور اسلامی شیعی مذهب شما حکومت را در دست بگیرم مردم دیگر منتظر علی نمی‌شوند و یکپارچه متحداً علیه او قیام می‌کنند و شرش را کوتاه می‌سازند ولی نکته‌آموزنده و دقیق این است که معاویه همچنان که در زمان علی سرّ خود را آشکار نساخت و اعلان نکرد که من معاویه ابوجهل صفت‌م، اکنون نیز چنین کاری نخواهد کرد بلکه نقاب تشیع به چهره خواهد زد و بیش از همه مامدح و ثنای علی خواهد کرد و روز ولادتش را جشن خواهد گرفت و از فضایل او سخن خواهد گفت و مزدورانی هم این چنین معاویه‌ای را حافظ و نگهبان تشیع معرفی خواهند کرد، لکن معاویه همچنان مقصد پلید خود را در باطن و با کمال مهارت تعقیب خواهد کرد یعنی نخواهد گذاشت روح اسلام و هدف علی زنده شود زیرا آن چیزی که برای معاویه‌ها خطرناک است و تهدیدشان می‌کند آشنائی مردم با روح اسلام و هدف علی است نه سرگرمی آنان به اقامه شعائر دینی و برگزاری مراسم مذهبی و اگر مردان آزاده و با شرافت و با ایمانی مثل میثم‌ها و عمارها و ابودرها که با روح اسلام و هدف علی آشنائی دارند پرچم مقدس مبارزه را علیه این معاویه به دست گیرند دیگر نه به اتهام محبت و ارادت به علی

بلکه به اتهامی متناسب با این زمان سرکوب می‌شوند. این است نکاتی که باید امروز و در این‌گونه فرصت‌ها مورد بحث و توجه قرار گیرد برای این که اکثریت عظیمی از زن و مرد ملت مادرک درستی از وقایع و حوادث اسلامی و تاریخ پیشوایان دین ندارند و از تعالیم و مفاهیم دینی استنباط صحیحی نمی‌کنند. آنها می‌شنوند که تا صدای قولوا لا اله الا الله از حلقوم پیامبر خارج و در فضای مکه طنین انداز شد اشراف قریش و طبقه حاکمه مکه بر خود لرزیدند و در مقام جلوگیری برآمدند و چون می‌بینند که امروز این صدا رساتر و شیواتر از فراز گلدسته‌ها و از رادیوها بدون هیچ‌گونه مزاحمتی پخش می‌شود و در اشراف قوم و طبقه حاکمه هم ایجاد وحشتی نمی‌کند با خود می‌گویند خدا را شکر که دیگر اثری از کفار قریش نیست و ریشه بت پرستی از بیخ و بن برکنده شده است ولی توجه ندارند که ذهن صاف عرب در آن روز از کلمه لا اله الا الله ندای آزادی و سلب همه قدرت‌های نامشروع و غیر عادلانه و گردن نهادن به حق و عدالت را استنباط می‌کرد و امروز چنین استنباطی از توحید نیست. به مردم ما تبلیغ شده که حسین به خاطر نماز و زکوة و احیاء دین با یزید مبارزه کرد و به مقام شهادت رسید و چنین تصور می‌کردند

که گویا یزید رسماً و علناً مردم را از ادای نماز و دادن زکوة و انجام مراسم دینی باز می‌داشته و چون امروز بحمدالله! کسی ظاهراً مانع نماز و زکوة و اجرای مراسم دینی نیست پس محیط اسلامی است و یزیدی وجود ندارد. مردم چنین می‌اندیشند که جعفر بن محمد و موسی بن جعفر می‌خواسته‌اند به مسجد بروند و حلال و حرام و مسائل فرعی دین را برای مردم بگویند و منصور و هارون خلفای عباسی نمی‌گذاشتند، خدا لعنت کند آنها را! و چون امروز مسئله‌گوهای دینی آزادند که در مساجد مسائل فرعی را بگویند و ائمه جماعت هم نماز جماعت به پا دارند پس منصور و هارونی وجود ندارد و تحلیلی در این زمینه نشده که اگر مطلب به همین سادگی بود پس چرا امام موسی بن جعفر و طرفداران او را به زندان‌ها می‌انداختند و تحت فشار و شکنجه قرار می‌دادند؟ آخر گفتن مسائل دینی و اقامه نماز جماعت و اجرای مراسم مذهبی به صورتی که می‌بینیم که برای حکومت خطری ندارد! منصور و هارون هم که به ظاهر خلیفهٔ مسلمان‌ها بودند، نماز می‌خواندند و امام جماعت بودند.

خوشبختانه یک نوع تفکر دینی صحیح اسلامی مخصوصاً در بین جوانان در حالت رشد و توسعه است و یک حالت سختگی و اعراض از روش منحط گذشته و طلب و عطشی برای درک درست مفاهیم دینی و استنباط اصول اسلامی توأم با تجزیه و تحلیل حوادث گذشته و تشخیص شرایط کنونی و خط مشی آینده مشاهده می شود که جای بسی امیدواری است لکن خطری هم به چشم می خورد که باید مراقب بود و آن خطر سخنان ظاهراً نو و فریبنده ای است که گرچه رنگ کهنگی و انحطاط ندارد و مثلاً از چشم و ابروی و قد و بالای علی بحث نمی کند اما تو خالی است و مانند سخنان کهنه گذشته فاقد تجزیه و تحلیل وقایع و استنتاجات لازم است یعنی مثلاً از تقوی شجاعت - دانش - سخاوت علی یا از عدالت و برادری و مساوات و آزادی اسلام با سبک نوی سخن می گوید لکن فاقد نتیجه ای است که شنونده شرایط محیط

خود را درک کند و عوامل صلاح و فساد را بشناسد و وظیفه خود و خط مشی آینده را تشخیص دهد یا اگر نتیجه‌ای بگیرد به این صورت است: که هر شخصی خودش منفرداً تصمیم بگیرد که از فردا از علی پیروی نماید و طبق دستور اسلام عمل کند تا سعادتمند باشد. اینگونه تبلیغ منطبق با شرایط زمان آغاز بعثت و مقابله اسلام با کفر صریح است نه متناسب با مقتضیات دوران معاویه و مواجه شدن اسلام با نفاق و تزویر و لذاست که معاویه از گویندگانی که از مزایای اسلام سخن می‌گفتند و سر مردم را به بیان کلیاتی گرم می‌ساختند احساس خطر نمی‌کرد ولی از روش تبلیغ ابوذرها که خلق را آگاه و عدم انطباق سیستم تحمیلی به ظاهر اسلامی معاویه را با اسلام گوشزد می‌کردند به شدت ابراز نگرانی می‌نمود. معاویه‌ها به خوبی آگاه‌اند که ایراد مطالب کلی و تحویل یک مشت نصیحت و موعظه به مردم از این قبیل که: (راست بگوید، مال مردم نخورید، قمار نزنید، شراب نخورید و خودتان را اصلاح کنید تا جامعه اصلاح شود) نه تنها ضرری برای آنان ندارد بلکه از آن جهت که فکر مردم را از تأثیر وجود معاویه عامل اصلی و سرچشمه فساد منصرف می‌سازد بسیار سودمند هم می‌باشد. در اوضاع و احوالی که مجامع

اسلامی با نفاق و تزویر مواجه است و اقامه شعائر دینی و انجام رسوم مذهبی به صورت واقع برقرار است و تمام دین به عامه مردم القاء می شود باید تبلیغات دینی نیز به سبک ابوذر غفاری صحابی بزرگ پیغمبر باشد تا مردم بتوانند سیستم اجتماعی خود را بسنجند که با موازین اصیل اسلامی و روش علی تطبیق می کند یا خیر؟ و به این نتیجه برسند که عامل علی یا معاویه یعنی عامل حکومت چه تأثیر فوق العاده ای در صلاح یا فساد آنان دارد این است که به عقیده من این گونه تبلیغات به ظاهر نو و فریبنده ولی توخالی و فاقد استنتاج و بهره گیری چون عطش و خلاء پدید آمده را کاذبانه فرو می نشاند و یا پر می کند از تبلیغات کهنه و منحط سابق خطرناک تر است.

و السلام علی من اتبع الهدی

اول دی ماه ۱۳۴۰

| کتابنامه |

- ۱ | قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ هفتم: تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۹۰
- ۲ | نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ ششم: تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹
- ۳ | خرسند، پرویز، آنجا که حق پیروز است، چاپ دوازدهم: تهران، انتشارات نیستان، ۱۳۸۸
- ۴ | شریعتی مزینانی، علی. مجموعه آثار ۲۶، چاپ چهارم: مشهد، انتشارات سپیده‌باوران، ۱۳۹۷
- ۵ | شهیدی، سید جعفر، علی (ع) از زبان علی (ع)، چاپ چهلیم: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵



انتشارات



ISBN 978-600-8375-41-8



9 786008 375418